

پاسخ سردبیر به چند نامه

آقای جلیل جعفری یزدی

ضمن تشکر از ترجمه ارسالیان که روایت دیگری از شعر دیلن تامس (مترجم، شماره ۱۶) است، بند اول ترجمه‌تان را در اینجا می‌آورم. پنج خط اول ترجمه شما چندان مفهوم نیست چون ارتباط کلمات به نحوی است که معنای کاملی را بیان نمی‌کند. استفاده از کلمه شرع به جای بادبان چه مزیتی دارد؟ این حکایت زمستانی است که شامگاهان برف کور/ گذرش می‌دهد از فراز رودها (دریاچه‌ها؟)/ و برکشتزاران موج/ از مزرعه/ در جام دزه‌ها/ خوش می‌رود میان برفدانه‌های منجمد/ نفس سرد گله‌ها (گاوها؟) در شرع ناپیدا

آقای محمد غضنفری

ترجمه ارسالی شما از شعر "سوتک" اثر شادروان دکتر شریعتی بسیار خوب است ولی متأسفانه ترجمه‌ای از این شعر در یکی از شماره‌های قبلی مترجم به چاپ رسیده است. منتظر ترجمه‌های بعدی شما هستیم.

آقای فرشید عطایی

سلام گرم متقابل بنده را پذیرید. در دو نامه اخیرتان ضمن ابراز لطف چند نکته را مطرح کرده‌اید از جمله این که تأخیرهای اخیر مترجم شما را نگران کرده است. خدمتان عرض کنم که جای هیچ نگرانی نیست. ما روز به روز اعتقادمان به انتشار مترجم قوی‌تر می‌شود و ان‌شاءالله ظرف یک سال آینده مشکلاتی را که باعث تأخیر در انتشار مجله بوده حل می‌کنیم و به انتشار مجله روالی منظم می‌دهیم. نوشته‌اید: "گویا مترجم هیچ برای خودش تبلیغ نمی‌کند. چرا باید چنین مجله‌ای ناشناخته بماند. من خودم سال گذشته چند بار از فرم اشتراک مترجم فتوکی گرفتم و آن را به تابلو اعلانات دانشگاه آزاد بندرعباس چسباندم. ولی تبلیغات به این شکل به درد نمی‌خورد. تبلیغ باید وسیع‌تر و پر زرق و برق باشد. بنابراین بد نیست همتی بکنید و مجله را در سطح وسیع‌تری بشناسانید." و بالاخره نوشته‌اید: "اگر مترجم مشکل مالی دارد، آن را با خوانندگان در میان بگذارید و هر راهی برای کمک به انتشار مترجم می‌شناسید پیشنهاد کنید." در مورد تبلیغ که گفته‌اید، شاید در سال اول و دوم انتشار مترجم لازم بود برای شناساندن مترجم آن را تبلیغ کنیم، آن‌هم به شیوه‌ای که شما پیشنهاد کرده‌اید. اما امروز که پنج سال از انتشار مترجم می‌گذرد، تصور نمی‌کنم نیازی به این کار باشد. مترجم مجله‌ای علمی - آموزشی است و طبعاً مخاطبان محدودی دارد و تصور ما بر این است که اگر کسی به ترجمه علاقه دارد لابد نام مترجم را شنیده و راهی برای تهیه آن پیدا کرده است. البته تیراژ مترجم از تیراژ هر کتاب علمی که این روزها منتشر می‌شود بالاتر است و هیچ نسخه آن روی دست نمی‌ماند. نکته‌ای که ما همیشه در پی آن بوده و هستیم این است که مترجم از نظر کیفی روز به روز بهتر بشود و مطالب آن جامعیت و تنوع پیدا کند و تا حد امکان جوابگوی نیازها و سلیقه‌های مختلف باشد. به این دلیل در انتخاب مطالب سخت‌گیر هستیم و ملاک انتخاب مطلب برای ما مفید بودن آن از لحاظ آموزشی و عملی است. کمکی که خوانندگان عزیز می‌توانند بکنند این است که مترجم را مجله خودشان بدانند و با نوشتن تجارب

و نظریات خود در مورد جنبه‌های مختلف ترجمه در هر چه پر بارتر شدن مجله ما را یاری بدهند.

آقای محمد رضایی

اجازه بدهید بخشی از نامه‌تان را در اینجا نقل کنم:

"باید اعتراف کنم که علیرغم علاقه زیادی که به رشته ترجمه دارم، متأسفانه در زمینه کار عملی و اصول و مبانی ترجمه مطلب راه‌گشایی در کلاسهای دانشگاهی دستگیرم نشده است. البته نه این که این کلاسها کاملاً بی‌ثمر باشد. دو سال اول که دوره مقدماتی آموزش زبان است، دوره مفیدی است. لیکن از سال دوم به بعد که وارد کار عملی ترجمه می‌شویم، پیشرفتی حاصل نمی‌شود. می‌گویند دانشجوی خود باید تلاش کند، ترجمه‌های متعدد انجام بدهد، با نشریات و ناشران کار کند. می‌گویند استاد فقط رهنمود می‌دهد و چارچوبها را مشخص می‌کند. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا تنها گذراندن دو واحد درس اصول و مبانی ترجمه برای آموختن هزاران نکته کوچک و بزرگ کافی است. آیا نباید استاد ترجمه‌های دانشجویان را بررسی و تصحیح کند؟ در طول ترم شاید برای هر دانشجوی یکی دوبار بیشتر فرصت نشود که ترجمه‌اش را در کلاس بخواند. اگر ترجمه‌ای به طور حضوری مورد بررسی و انتقاد قرار نگیرد، نباید توقع موفقیت داشته باشیم وگرنه هر کس می‌تواند چندین جلد فرهنگ لغت انگلیسی و فارسی پیش روی خود بگذارد و معادل کلمات را کنار هم بچیند و به اصطلاح "ترجمه" کند. پس فرق دانشجوی مترجمی با سایرین چیست؟"

آقای رضایی، به نکته‌ای اشاره کرده‌اید که در آموختن رمز و راز ترجمه برای ورود به عالم ترجمه حرفه‌ای بسیار اهمیت دارد و آن این است که استاد باید به طور انفرادی با دانشجوی کار کند و ترجمه او را بررسی کند تا اشکالات او را تک تک بشناسد و بتواند رهنمود بدهد. بدیهی است در محدوده وقت کلاس فرصت کافی برای استاد نیست که ترجمه تک تک دانشجویان را به این ترتیب بررسی کند. شاید لازم باشد در برنامه تربیت مترجم دروسی گنجانند که در طی آن دانشجو پروژه‌ای برای ترجمه پیشنهاد و سپس تحت نظر و با مشاورت استاد یا مترجمی حرفه‌ای آن را ترجمه کند و در خلال کار نکته‌های لازم را بیاموزد و اگر دانشجو تجارب خود را از این کار عملی و تجربه حرفه‌ای برکاغذ بیاورد، در کار ترجمه نگرشی آگاهانه و انتقادی پیدا می‌کند. در مورد ضرورت این برنامه‌های درسی برای آموختن کار عملی ترجمه، خانم مونا بیکر (مترجم، شماره ۱۹) تجربه مشابهی را نقل می‌کند: "برنامه تربیت مترجم درسهایی بسیاری دارد که در آنها تأکید بر جنبه‌های عملی ترجمه است. برای مثال، در درس ۲۲ ساعته روشهای ترجمه دانشجو موظف است متون متعددی را ترجمه کند و استاد استراتژی‌هایی را که دانشجو برای حل مشکلات خاص ترجمه به کار برده، یک به یک و روشن و صریح تحلیل می‌کند. یا مثلاً در درسی دیگر، دانشجو زیر نظر استاد متنی در حدود ۳۰۰۰ کلمه را ترجمه می‌کند و بر ترجمه خود تفسیر می‌نویسد."